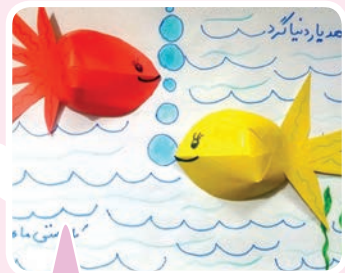


کارهای خوب، رویاهای
قشنگ، شعرهای جالب
و داستان های خواندنی
را در تلگرام به شماره
۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ بفرستید.



این کاردستی خانه را
امیرحسین گلیانی ۷ ساله با
مقوا درست کرده و برای ما
فرستاده است.



مهدیار دنیاگرد ۸ ساله هم
دو ماهی خوشگل ساخته که
انگار در دریا به زندگی شان
ادامه می دهند.



دانیال بهزاد ۶ ساله با چند
میوه درخت کاج و استفاده از
وسایل بازیافتی، این کاردستی
متفاوت را ساخته است.

بادکنک غمگین چطوری خوشحال شد؟

قصه

من یک بادکنک
خوشحالم، برادر من
بین بقیه تک است.
حتماً فکر می کنید او
از همه شادتر است؛ اما نه
او از همه غمگین تر است.
من می خواهم کاری کنم که
او را خوشحال کنم. اما هر
کاری می کنم او خوشحال
نمی شود. حالا من هر چی
به او گفتم که پیش سنگ
دانا برو گوش نکرد. اما وقتی
که پیش سنگ دانا رفت
سنگ دانا او را هم
راهنمایی کرد و
برادرم شاد شد و
من توانستم با کمک
سنگ دانا برادرم را مثل
اولش بکنم.

زینب سادات صابری ۷ ساله

قصه

زنگ ریاضی

یکی بود، یکی نبود. بچه ها به مدرسه رفتند و منتظر معلم
کلاس بودند. سارا که دانش آموز کلاس بود، از کتاب ریاضی
خوشش نمی آمد و ضرب را اصلاً دوست نداشت. خانم معلم وارد
کلاس شد و گفت که بچه ها کتاب ریاضی تان را باز کنید. بعد خانم
روی تخته، ضرب ها را نوشت و گفت به این سوال ها جواب بدهید و
سارا حس خوبی نداشت. زنگ تفریح شد. سارا با دوستش به حیاط
مدرسه رفتند و سارا به دوستش گفت من از ریاضی متنفرم.

دوستش به او گفت که اتفاقاً ریاضی خیلی به درد می خورد.
ریاضی به تو کمک می کند تا وقتی بزرگ شدی و برای خرید
رفتی، برای حساب و کتاب به مشکل نخوری. سارا به فکر فرو

رفت و فهمید که ریاضی
در آینده به او بسیار
کمک خواهد کرد.

نوشته و نقاشی از

دوست خوب آینبات

ریحانه قهرمان زاده

